بانک سوالات آزمون وکالت

مرکز وکلای قوه قضائیه

(۸۴ تا ۱۴۰۴)

با توجه به تغییرات قانون کاهش مجازات حبس تعزیری و اعمال تغییرات جزای نقدی

مجموعه سوالات آزمون وکالت مرکز وکلای قوه قضائیه

با پاسخ‌های کاملاً تشریحی همراه با رفرنس‌دهی به منابع مرجع

ارائه نکات طلایی و آزمونی در پاسخنامه تشریحی

شامل ۲۰۰۰ نکته مهم و کلیدی از مباحث آزمون

۱ حقوق مدنی

۲ آیین دادرسی مدنی

۳ حقوق تجارت

۴ حقوق جزای عمومی و اختصاصی

۵ آیین دادرسی کیفری

۶ متون فقه

۷ حقوق ثبت

۸ حقوق اساسی

مؤلفین:
دکتر بابک زارعی
محمد زرین کلاه

انتشارات اندیشه ارشد

تقدیم:

به همسرم، شریک زندگی‌ام، محرم، مرهم و همراه تک‌تک لحظات خوب و بد

سپاس و قدردانی:

سپاس از جناب آقای زرین کلاه که باوجود مشغله بسیار لطف کرده و در این اثر همراه بنده بوده و از هیچگونه کمکی دریغ نورزیدند و با صبر و حوصله مثال‌زدنی بسیاری از پاسخ‌ها را با مطالعه در کتب مرجع یافته و من را قانع می‌نمودند.

و مانند همیشه قدردان زحمات ریاست محترم انتشارات اندیشه ارشد و همچنین پرسنل کوشا و توانمند این مجموعه که از عهده جبران زحماتشان بر نخواهم آمد ... .

بابک زارعی

فهرست

سؤالات آزمون مشاوران حقوقی سال ۱۳۸۴

سؤالات آزمون مشاوران حقوقی سال ۱۳۸۴ ..... ۱۱
سؤالات حقوق مدنی سال ۱۳۸۴ ..... ۱۱
پاسخنامه سؤالات حقوق مدنی سال ۱۳۸۴ ..... ۱۴
سؤالات آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۸۴ ..... ۲۲
پاسخنامه سؤالات قانون آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۸۴ ..... ۲۵
سؤالات حقوق تجارت سال ۱۳۸۴ ..... ۳۵
پاسخنامه سؤالات درس حقوق تجارت سال ۱۳۸۴ ..... ۳۸
سؤالات آیین دادرسی کیفری ۱۳۸۴ ..... ۴۲
پاسخنامه سؤالات درس قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۸۴ ..... ۴۵
سؤالات متون فقه سال ۱۳۸۴ ..... ۵۰
پاسخنامه سؤالات متون فقه سال ۱۳۸۴ ..... ۵۲
سؤالات حقوق جزای عمومی سال ۱۳۸۴ ..... ۵۳
پاسخنامه سؤالات حقوق جزای عمومی سال ۱۳۸۴ ..... ۵۶
سؤالات حقوق جزای اختصاصی ۱۳۸۴ ..... ۶۰
پاسخنامه سؤالات حقوق جزای اختصاصی سال ۱۳۸۴ ..... ۶۳
سؤالات حقوق ثبت سال ۱۳۸۴ ..... ۶۸
پاسخنامه سؤالات حقوق ثبت سال ۱۳۸۴ ..... ۷۱

سؤالات آزمون مشاوران حقوقی سال ۱۳۸۵

سؤالات آزمون مشاوران حقوقی سال ۱۳۸۵ ..... ۷۳
سؤالات حقوق مدنی سال ۱۳۸۵ ..... ۷۳
پاسخنامه سؤالات حقوق مدنی سال ۱۳۸۵ ..... ۷۶
سؤالات آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۸۵ ..... ۷۹
پاسخنامه سؤالات آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۸۵ ..... ۸۳
پاسخنامه سؤالات درس حقوق تجارت سال ۱۳۸۵ ..... ۸۹
سؤالات آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۸۵ ..... ۹۴
پاسخنامه سؤالات آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۸۵ ..... ۹۷
سؤالات متون فقه سال ۱۳۸۵ ..... ۱۰۰
پاسخنامه سؤالات متون فقه سال ۱۳۸۵ ..... ۱۰۲
سؤالات حقوق جزای عمومی سال ۱۳۸۵ ..... ۱۰۳
پاسخنامه سؤالات حقوق جزای عمومی سال ۱۳۸۵ ..... ۱۰۶
سؤالات حقوق جزای اختصاصی سال ۱۳۸۵ ..... ۱۰۹
پاسخنامه سؤالات حقوق جزای اختصاصی سال ۱۳۸۵ ..... ۱۱۱
سؤالات حقوق ثبت سال ۱۳۸۵ ..... ۱۱۴
پاسخنامه سؤالات حقوق ثبت سال ۱۳۸۵ ..... ۱۱۶

سؤالات آزمون مشاوران حقوقی سال ۱۳۸۶

سؤالات آزمون مشاوران حقوقی سال ۱۳۸۶ ..... ۱۲۲
سؤالات حقوق تجارت سال ۱۳۸۶ ..... ۱۲۲
پاسخنامه سؤالات حقوق تجارت سال ۱۳۸۶ ..... ۱۲۵

سؤالات آئین دادرسی مدنی سال ۱۳۸۶ ..... ۱۲۸
پاسخنامه آزمون آیین دادرسی حقوق مدنی سال ۱۳۸۶ ..... ۱۳۱
سؤالات حقوق مدنی سال ۱۳۸۶ ..... ۱۳۶
پاسخنامه سؤالات مدنی سال ۱۳۸۶ ..... ۱۳۸
سؤالات آئین دادرسی کیفری سال ۱۳۸۶ ..... ۱۴۰
پاسخنامه آزمون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۸۶ ..... ۱۴۳
سؤالات متون فقه سال ۱۳۸۶ ..... ۱۴۸
پاسخنامه سؤالات متون فقه سال ۱۳۸۶ ..... ۱۵۰
سؤالات حقوق جزای عمومی سال ۱۳۸۶ ..... ۱۵۱
پاسخنامه سؤالات حقوق جزای عمومی سال ۱۳۸۶ ..... ۱۵۳
سؤالات حقوق جزای اختصاصی سال ۱۳۸۶ ..... ۱۵۷
پاسخنامه حقوق جزای اختصاصی سال ۱۳۸۶ ..... ۱۶۰
سؤالات حقوق ثبت سال ۱۳۸۶ ..... ۱۶۳
پاسخنامه حقوق ثبت سال ۱۳۸۶ ..... ۱۶۵

سؤالات آزمون مشاوران حقوقی سال ۱۳۸۷

سؤالات آزمون مشاوران حقوقی سال ۱۳۸۷ ..... ۱۶۷
سؤالات حقوق مدنی سال ۱۳۸۷ ..... ۱۶۷
پاسخنامه سؤالات حقوق مدنی سال ۱۳۸۷ ..... ۱۷۰
سؤالات حقوق تجارت سال ۱۳۸۷ ..... ۱۷۴
پاسخنامه سؤالات حقوق تجارت سال ۱۳۸۷ ..... ۱۷۷
سؤالات آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۸۷ ..... ۱۷۹
پاسخنامه سؤالات آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۸۷ ..... ۱۸۲
سؤالات آئین دادرسی کیفری سال ۱۳۸۷ ..... ۱۸۶
پاسخنامه آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۸۷ ..... ۱۸۹
سؤالات متون فقه سال ۱۳۸۷ ..... ۱۹۲
پاسخنامه سؤالات متون فقه سال ۱۳۸۷ ..... ۱۹۴
سؤالات حقوق جزای عمومی سال ۱۳۸۷ ..... ۱۹۵
پاسخنامه سؤالات حقوق جزای عمومی سال ۱۳۸۷ ..... ۱۹۸
سؤالات حقوق جزای اختصاصی سال ۱۳۸۷ ..... ۲۰۲
پاسخنامه سؤالات حقوق جزای اختصاصی سال ۱۳۸۷ ..... ۲۰۵
سؤالات ثبت سال ۱۳۸۷ ..... ۲۰۸
پاسخنامه حقوق ثبت سال ۱۳۸۷ ..... ۲۱۱

سؤالات آزمون مشاوران حقوقی سال ۱۳۸۸

سؤالات آزمون مشاوران حقوقی سال ۱۳۸۸ ..... ۲۱۴
سؤالات حقوق مدنی سال ۱۳۸۸ ..... ۲۱۴
پاسخنامه سؤالات حقوق مدنی سال ۱۳۸۸ ..... ۲۱۶
سؤالات حقوق تجارت سال ۱۳۸۸ ..... ۲۲۲
پاسخنامه سؤالات تجارت سال ۱۳۸۸ ..... ۲۲۵
سؤالات آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۸۸ ..... ۲۲۸
پاسخنامه سؤالات درس آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۸۸ ..... ۲۳۱
سؤالات آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۸۸ ..... ۲۳۶

پاسخنامه سؤالات آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۸۸ ..... ۲۳۹
سؤالات متون فقه سال ۱۳۸۸ ..... ۲۴۵
پاسخنامه سؤالات متون فقه سال ۱۳۸۸ ..... ۲۴۷
سؤالات حقوق جزای عمومی سال ۱۳۸۸ ..... ۲۴۸
پاسخنامه سؤالات حقوق جزای عمومی سال ۱۳۸۸ ..... ۲۵۰
سؤالات حقوق جزای اختصاصی سال ۱۳۸۸ ..... ۲۵۳
پاسخنامه درس حقوق جزای اختصاصی سال ۱۳۸۸ ..... ۲۵۶
سؤالات حقوق ثبت سال ۱۳۸۸ ..... ۲۵۹
پاسخنامه سؤالات حقوق ثبت سال ۱۳۸۸ ..... ۲۶۱

سؤالات آزمون مشاوران حقوقی سال ۱۳۹۰

سؤالات آزمون مشاوران حقوقی سال ۱۳۹۰ ..... ۲۶۵
سؤالات آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۹۰ ..... ۲۶۵
پاسخنامه سؤالات آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۹۰ ..... ۲۶۷
سؤالات حقوق مدنی سال ۱۳۹۰ ..... ۲۷۵
پاسخنامه سؤالات حقوق مدنی سال ۱۳۹۰ ..... ۲۷۷
سؤالات حقوق تجارت سال ۱۳۹۰ ..... ۲۸۰
پاسخنامه سؤالات تجارت سال ۱۳۹۰ ..... ۲۸۲
سؤالات آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۰ ..... ۲۸۴
پاسخنامه سؤالات آیین دادرسی کیفری ۲۸۶
سؤالات متون فقه سال ۱۳۹۰ ..... ۲۸۹
پاسخنامه سؤالات متون فقه سال ۱۳۹۰ ..... ۲۹۲
سؤالات حقوق جزای عمومی سال ۱۳۹۰ ..... ۲۹۳
پاسخنامه سؤالات حقوق جزای عمومی سال ۱۳۹۰ ..... ۲۹۶
سؤالات حقوق جزای اختصاصی سال ۱۳۹۰ ..... ۲۹۹
پاسخنامه سؤالات حقوق جزای اختصاصی سال ۱۳۹۰ ..... ۳۰۳
سؤالات حقوق ثبت سال ۱۳۹۰ ..... ۳۰۸
پاسخنامه سؤالات حقوق ثبت سال ۱۳۹۰ ..... ۳۱۱

سؤالات آزمون مشاوران حقوقی سال ۱۳۹۲

سؤالات آزمون مشاوران حقوقی سال ۱۳۹۲ ..... ۳۱۲
سؤالات آیین دادرسی مدنی ۱۳۹۲ ..... ۳۱۲
پاسخنامه آیین دادرسی مدنی ۱۳۹۲ ..... ۳۱۶
سؤالات حقوق مدنی سال ۱۳۹۲ ..... ۳۲۱
پاسخنامه سؤالات حقوق مدنی سال ۱۳۹۲ ..... ۳۲۴
سؤالات حقوق تجارت سال ۱۳۹۲ ..... ۳۲۹
پاسخنامه سؤالات حقوق تجارت سال ۱۳۹۲ ..... ۳۳۳
سؤالات آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ ..... ۳۳۶
پاسخنامه سؤالات آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ ..... ۳۴۰
سؤالات حقوق جزای عمومی سال ۱۳۹۲ ..... ۳۴۴
پاسخنامه سؤالات حقوق جزای عمومی سال ۱۳۹۲ ..... ۳۴۸
سؤالات حقوق جزای اختصاصی سال ۱۳۹۲ ..... ۳۵۱
پاسخنامه سؤالات حقوق جزای اختصاصی سال ۱۳۹۲ ..... ۳۵۵

سؤالات متون فقه سال ۱۳۹۲ ..... ۳۵۸
پاسخنامه سؤالات متون فقه سال ۱۳۹۲ ..... ۳۶۱
سؤالات حقوق ثبت سال ۱۳۹۲ ..... ۳۶۲
پاسخنامه حقوق ثبت سال ۱۳۹۲ ..... ۳۶۶

سؤالات آزمون مشاوران حقوقی سال ۱۳۹۶

سؤالات آزمون مشاوران حقوقی سال ۱۳۹۶ ..... ۳۶۸
سؤالات آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۶ ..... ۳۶۸
پاسخنامه سؤالات آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۶ ..... ۳۷۱
سؤالات آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۹۶ ..... ۳۷۳
پاسخنامه سؤالات حقوق آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۹۶ ..... ۳۷۷
سؤالات حقوق مدنی سال ۱۳۹۶ ..... ۳۸۶
پاسخنامه سؤالات حقوق مدنی سال ۱۳۹۶ ..... ۳۹۰
سؤالات حقوق جزای عمومی و اختصاصی سال ۱۳۹۶ ..... ۳۹۵
پاسخنامه سؤالات حقوق جزای عمومی و جزای اختصاصی سال ۱۳۹۶ ..... ۴۰۰
سؤالات متون فقه سال ۱۳۹۶ ..... ۴۰۳
پاسخنامه سؤالات متون فقه ۱۳۹۶ ..... ۴۰۵
سؤالات حقوق تجارت سال ۱۳۹۶ ..... ۴۰۷
پاسخنامه سؤالات درس تجارت سال ۱۳۹۶ ..... ۴۱۰
سؤالات حقوق ثبت سال ۱۳۹۶ ..... ۴۱۲
پاسخنامه سؤالات حقوق ثبت سال ۱۳۹۶ ..... ۴۱۵

سؤالات آزمون مشاوران حقوقی سال ۱۳۹۸

سؤالات آزمون مشاوران حقوقی سال ۱۳۹۸ ..... ۴۱۷
سؤالات حقوق مدنی سال ۱۳۹۸ ..... ۴۱۷
پاسخنامه سؤالات مدنی سال ۱۳۹۸ ..... ۴۲۱
سؤالات آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۹۸ ..... ۴۲۵
پاسخنامه سؤالات آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۹۸ ..... ۴۳۰
سؤالات حقوق تجارت سال ۱۳۹۸ ..... ۴۳۴
پاسخنامه سؤالات حقوق تجارت سال ۱۳۹۸ ..... ۴۳۸
سؤالات حقوق جزای عمومی و اختصاصی سال ۱۳۹۸ ..... ۴۴۳
پاسخنامه سؤالات حقوق جزای عمومی و اختصاصی ۱۳۹۸ ..... ۴۴۷
سؤالات آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۸ ..... ۴۵۲
پاسخنامه سؤالات آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۸ ..... ۴۵۶
سؤالات حقوق ثبت سال ۱۳۹۸ ..... ۴۵۹
پاسخنامه سؤالات حقوق ثبت سال ۱۳۹۸ ..... ۴۶۱
سؤالات متون فقه سال ۱۳۹۸ ..... ۴۶۳
پاسخنامه سؤالات متون فقه سال ۱۳۹۸ ..... ۴۶۶

سؤالات آزمون مشاوران حقوقی سال ۱۳۹۹

سؤالات آزمون مشاوران حقوقی سال ۱۳۹۹ ..... ۴۶۸
سؤالات حقوق مدنی سال ۱۳۹۹ ..... ۴۶۸
پاسخنامه سؤالات حقوق مدنی سال ۱۳۹۹ ..... ۴۷۳
سؤالات آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۹۹ ..... ۴۷۷

پاسخنامه سؤالات آئین دادرسی مدنی ۱۳۹۹ ..... ۴۸۲
سؤالات حقوق تجارت سال ۱۳۹۹ ..... ۴۸۶
پاسخنامه سؤالات حقوق تجارت سال ۱۳۹۹ ..... ۴۹۰
سؤالات حقوق جزای عمومی و اختصاصی سال ۱۳۹۹ ..... ۴۹۴
پاسخنامه سؤالات حقوق جزا عمومی و اختصاصی سال ۱۳۹۹ ..... ۴۹۸
سؤالات آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۹ ..... ۵۰۳
پاسخنامه سؤالات آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۹ ..... ۵۰۸
سؤالات متون فقه سال ۹۹ ..... ۵۱۳
پاسخنامه سؤالات متون فقه سال ۱۳۹۹ ..... ۵۱۷
سؤالات حقوق ثبت سال ۱۳۹۹ ..... ۵۲۱
پاسخنامه سؤالات حقوق ثبت سال ۱۳۹۹ ..... ۵۲۳

سؤالات آزمون مشاوران حقوقی سال ۱۴۰۰

سؤالات آزمون مشاوران حقوقی سال ۱۴۰۰ ..... ۵۲۴
سؤالات حقوق مدنی سال ۱۴۰۰ ..... ۵۲۴
پاسخنامه سؤالات حقوق مدنی سال ۱۴۰۰ ..... ۵۲۸
سؤالات آیین دادرسی مدنی سال ۱۴۰۰ ..... ۵۳۲
پاسخنامه سؤالات آیین دادرسی مدنی سال ۱۴۰۰ ..... ۵۳۷
سؤالات حقوق تجارت سال ۱۴۰۰ ..... ۵۴۳
پاسخنامه سؤالات حقوق تجارت سال ۱۴۰۰ ..... ۵۴۸
سؤالات حقوق جزای عمومی و اختصاصی سال ۱۴۰۰ ..... ۵۵۲
پاسخنامه سؤالات حقوق جزای عمومی و اختصاصی سال ۱۴۰۰ ..... ۵۵۷
سؤالات حقوق آیین دادرسی کیفری سال ۱۴۰۰ ..... ۵۶۱
پاسخنامه سؤالات حقوق آیین دادرسی کیفری سال ۱۴۰۰ ..... ۵۶۶
سؤالات متون فقه سال ۱۴۰۰ ..... ۵۶۸
پاسخنامه سؤالات متون فقه سال ۱۴۰۰ ..... ۵۷۰
سؤالات حقوق ثبت سال ۱۴۰۰ ..... ۵۷۲
پاسخنامه سؤالات حقوق ثبت سال ۱۴۰۰ ..... ۵۷۴
سؤالات حقوق اساسی سال ۱۴۰۰ ..... ۵۷۶
پاسخنامه سؤالات حقوق اساسی سال ۱۴۰۰ ..... ۵۷۸

سؤالات آزمون مشاوران حقوقی سال ۱۴۰۱

سؤالات آزمون مشاوران حقوقی سال ۱۴۰۱ ..... ۵۸۰
سؤالات حقوق مدنی سال ۱۴۰۱ ..... ۵۸۰
پاسخنامه سؤالات حقوق مدنی سال ۱۴۰۱ ..... ۵۸۵
سؤالات آیین دادرسی مدنی سال ۱۴۰۱ ..... ۵۸۷
پاسخنامه سؤالات آیین دادرسی مدنی سال ۱۴۰۱ ..... ۵۹۲
سؤالات حقوق تجارت سال ۱۴۰۱ ..... ۵۹۵
پاسخنامه سؤالات حقوق تجارت سال ۱۴۰۱ ..... ۶۰۰
سؤالات حقوق جزای عمومی و اختصاصی سال ۱۴۰۱ ..... ۶۰۲
پاسخنامه سؤالات حقوق جزای عمومی و اختصاصی سال ۱۴۰۱ ..... ۶۰۷
سؤالات آیین دادرسی کیفری سال ۱۴۰۱ ..... ۶۰۹
پاسخنامه سؤالات آیین دادرسی کیفری سال ۱۴۰۱ ..... ۶۱۴

سؤالات متون فقه سال ۱۴۰۱ ..... ۶۱۶
پاسخنامه سؤالات متون فقه سال ۱۴۰۱ ..... ۶۱۸
سؤالات حقوق ثبت سال ۱۴۰۱ ..... ۶۱۹
پاسخنامه سؤالات حقوق ثبت سال ۱۴۰۱ ..... ۶۲۱
سؤالات حقوق اساسی سال ۱۴۰۱ ..... ۶۲۲
پاسخنامه سؤالات حقوق اساسی سال ۱۴۰۱ ..... ۶۲۴

سؤالات آزمون مشاوران حقوقی سال ۱۴۰۲

سؤالات آزمون مشاوران حقوقی سال ۱۴۰۲ ..... ۶۲۵
سؤالات حقوق مدنی سال ۱۴۰۲ ..... ۶۲۵
پاسخنامه سؤالات حقوق مدنی سال ۱۴۰۲ ..... ۶۳۰
سؤالات آیین دادرسی مدنی سال ۱۴۰۲ ..... ۶۳۳
پاسخنامه سؤالات آیین دادرسی مدنی سال ۱۴۰۲ ..... ۶۳۹
سؤالات حقوق تجارت سال ۱۴۰۲ ..... ۶۴۳
پاسخنامه سؤالات حقوق تجارت سال ۱۴۰۲ ..... ۶۴۸
سؤالات حقوق جزای عمومی و اختصاصی سال ۱۴۰۲ ..... ۶۵۲
پاسخنامه سؤالات حقوق جزای عمومی و اختصاصی سال ۱۴۰۲ ..... ۶۵۷
سؤالات آیین دادرسی کیفری سال ۱۴۰۲ ..... ۶۶۰
پاسخنامه سؤالات آیین دادرسی کیفری سال ۱۴۰۲ ..... ۶۶۵
سؤالات متون فقه سال ۱۴۰۲ ..... ۶۶۹
پاسخنامه سؤالات متون فقه سال ۱۴۰۲ ..... ۶۷۱
سؤالات حقوق ثبت سال ۱۴۰۲ ..... ۶۷۳
پاسخنامه سؤالات حقوق ثبت سال ۱۴۰۲ ..... ۶۷۶
سؤالات حقوق اساسی سال ۱۴۰۲ ..... ۶۷۹
پاسخنامه سؤالات قانون اساسی سال ۱۴۰۲ ..... ۶۸۱

سؤالات آزمون مشاوران حقوقی سال ۱۴۰۳

سؤالات آزمون مشاوران حقوقی سال ۱۴۰۳ ..... ۶۸۳
سؤالات حقوق مدنی سال ۱۴۰۳ ..... ۶۸۳
پاسخنامه سؤالات حقوق مدنی سال ۱۴۰۳ ..... ۶۸۷
سؤالات آیین دادرسی مدنی سال ۱۴۰۳ ..... ۶۸۹
پاسخنامه سؤالات آیین دادرسی مدنی سال ۱۴۰۳ ..... ۶۹۴
سؤالات حقوق تجارت سال ۱۴۰۳ ..... ۶۹۶
پاسخنامه سؤالات حقوق تجارت سال ۱۴۰۳ ..... ۷۰۱
سؤالات حقوق مدنی سال ۱۴۰۳ ..... ۷۰۳
پاسخنامه سؤالات حقوق جزای عمومی و اختصاصی سال ۱۴۰۳ ..... ۷۰۷
سؤالات آیین دادرسی کیفری سال ۱۴۰۳ ..... ۷۱۲
پاسخنامه سؤالات آیین دادرسی کیفری سال ۱۴۰۳ ..... ۷۱۵
سؤالات متون فقه سال ۱۴۰۳ ..... ۷۲۲
پاسخنامه سؤالات متون فقه سال ۱۴۰۳ ..... ۷۲۵
سؤالات حقوق ثبت سال ۱۴۰۳ ..... ۷۲۷
پاسخنامه سؤالات حقوق ثبت سال ۱۴۰۳ ..... ۷۳۱

سؤالات قانون اساسی سال ۱۴۰۳ ..... ۷۳۳
پاسخنامه سؤالات قانون اساسی سال ۱۴۰۳ ..... ۷۳۵

سؤالات آزمون مشاوران حقوقی سال ۱۴۰۴

سؤالات حقوق مدنی سال ۱۴۰۴ ..... ۷۳۷
پاسخنامه سؤالات حقوق مدنی سال ۱۴۰۴ ..... ۷۴۱
سؤالات آیین دادرسی مدنی سال ۱۴۰۴ ..... ۷۴۵
پاسخنامه سؤالات آیین دادرسی مدنی سال ۱۴۰۴ ..... ۷۵۲
سؤالات حقوق تجارت سال ۱۴۰۴ ..... ۷۵۸
پاسخنامه سؤالات حقوق تجارت سال ۱۴۰۴ ..... ۷۶۳
سؤالات حقوق جزای عمومی و اختصاصی سال ۱۴۰۴ ..... ۷۶۷
پاسخنامه سؤالات حقوق جزای عمومی و اختصاصی سال ۱۴۰۴ ..... ۷۷۱
سؤالات آیین دادرسی کیفری سال ۱۴۰۴ ..... ۷۷۴
پاسخنامه سؤالات آیین دادرسی کیفری سال ۱۴۰۴ ..... ۷۷۸
سؤالات متون فقه سال ۱۴۰۴ ..... ۷۸۱
پاسخنامه سؤالات متون فقه سال ۱۴۰۴ ..... ۷۸۴
سؤالات حقوق ثبت سال ۱۴۰۴ ..... ۷۸۷
پاسخنامه سؤالات حقوق ثبت سال ۱۴۰۴ ..... ۷۹۰
سؤالات حقوق اساسی سال ۱۴۰۴ ..... ۷۹۲
پاسخنامه سؤالات حقوق اساسی سال ۱۴۰۴ ..... ۷۹۴
نکات قانون ثبت ۷۹۷
منابع ۸۲۵

سؤالات آزمون مشاوران حقوقی سال ۱۳۸۴

سؤالات حقوق مدنی سال ۱۳۸۴

۱- هرگاه طرفین عقد در یکی از اوصاف غیراساسی مورد معامله اشتباه کنند و آن وصف در عقد ذکر نشده باشد، عقد...

۱) صحیح است. ۲) غیر نافذ است. ۳) قابل فسخ است. ۴) باطل است.

۲- چنانچه خسارت واردشده ناشی از نقض قرارداد بیش از مبلغ وجه التزام مندرج در قرارداد باشد، خسارت اضافی .....

۱) قابل مطالبه است.

۲) قابل مطالبه نیست.

۳) در صورت اثبات نقض و اضرار عمدی قابل مطالبه است.

۴) در صورت پیش‌بینی در قرارداد با نظر قاضی قابل مطالبه است.

۳- شرط مجهول ضمن عقد .....

۱) در تمام حالات باطل است.

۲) در تمام حالات باطل و مبطل است.

۳) در تمام حالات صحیح است.

۴) فقط در صورت مجهول کردن عوض باطل و مبطل است.

۴- درصورتی‌که مال مغصوب در زمان غصب براثر حوادث قهری خسارت ببیند .....

۱) غاصب مسئولیتی ندارد. ۲) غاصب مسئول بخشی از خسارت است.

۳) غاصب مسئول تمام خسارات است. ۴) هیچ مسئولیتی وجود ندارد.

۵- مسئولیت مالک ساختمان نسبت به خسارات ناشی از ساختمان مبتنی بر نظریه .....

۱) فرض تقصیر است. ۲) تقصیر است.

۳) خطر است. ۴) تضمین است.

۶- در عقد نکاح دائم شرط خیار فسخ .....

۱) نسبت به عقد و صداق صحیح است.

۲) نسبت به عقد و صداق باطل است.

۳) نسبت به عقد صحیح و نسبت به صداق باطل است.

۴) نسبت به عقد باطل و نسبت به صداق صحیح است.

۷- عده وفات زن باردار .....

۱) چهار ماه و ده روز است.

۲) تا زمان وضع حمل است.

۳) در نکاح دائم سه ماه و در نکاح موقت چهل‌وپنج روز است.

۴) چهار ماه و ده روز است مگر آن‌که بعدازاین مدت وضع حمل کند که در این صورت تا زمان وضع حمل ادامه دارد.

۸- کدام گزینه صحیح است؟

۱) اگر موصی‌له بعد از فوت موصی وصیت را قبول و موصی‌به را قبض کرد دیگر نمی‌تواند آن را رد کند.

۲) گر موصی‌له قبل از فوت موصی وصیت را رد کرده باشد بعد فوت او نمی‌تواند آن را قبول کند.

۳) اگر وصی قبل از فوت موصی وصایت را رد نکند بعدازآن حق رد ندارد مگر آن‌که جاهل بر وصایت باشد.

۴) ملاک ثبت ثلث حین وصیت است نه ثلث حین وفات.

۹- کدام گزینه غلط است؟

۱) پدر، مادر، پسر، دختر، زوج و زوجه هیچ‌گاه حاجب از اصل ارث ندارند.

۲) پدر، مادر، زوج و زوجه فقط به فرض ارث می‌برند.

۳) اگر برای متوفی وارثی غیر از زوج نباشد زائد از فرض به او رد می‌شود.

۴) حجب پسرعموی ابوینی توسط عموی امی، حجب حرمانی است.

۱۰- هرگاه دو نفر در خانه و اتومبیلی شریک باشند و یکی از آن‌ها سهم خود از هر دو مال را طی یک معامله به ثالثی بفروشد شریک دیگر .....

۱) حق شفعه ندارد چون حق شفعه خلاف اصل است و در چنین موردی به وجود نمی‌آید.

۲) می‌تواند با پرداخت تمام ثمن به مشتری حق شفعه را در تمام مبیع اعمال نماید.

۳) می‌تواند با پرداخت حصه خانه از ثمن، شفعه را نسبت به خانه اعمال کند.

۴) می‌تواند حق شفعه را نسبت به خانه اعمال کند ولی ثمن قابل‌تجزیه نیست.

۱۱- اگر کسی مال موضوع حق انتفاع را که مال مثلی است تلف کند و مثل بدهد در این صورت .....

۱) حق انتفاع مذکور در «مثل» نیز برقرار است.

۲) حق انتفاع از بین می‌رود.

۳) منتفع با مالک به نسبت مساوی در مثل شریک می‌شوند.

۴) هیچ‌کدام از پاسخ‌های فوق صحیح نیست.

۱۲- هرگاه پس از انعقاد بیع و قبل از تسلیم مبیع، مشتری سبب تلف مبیع شود کدام گزینه صحیح است؟

۱) بیع صحیح است و مثل یا قیمت به مشتری تسلیم می‌گردد.

۲) بیع منفسخ می‌گردد و ثمن به مشتری عودت داده می‌شود.

۳) بیع باطل است و ثمن به مشتری برمی‌گردد.

۴) بیع صحیح است و مشتری باید ثمن را پرداخت کند.

۱۳- در صورت انقضاء مدت اجاره، اگر مستأجر با اذن موجر عین مستأجره را در تصرف خود نگه دارد، در این صورت:

۱) موجر مستحق اجرت‌المثل معادل اجرت المسمی است اگرچه مستأجر استیفاء منفعت نکرده باشد.

۲) موجر مستحق اجرت المسمی است درصورتی‌که مستأجر استیفاء منفعت کرده باشد.

۳) موجر مستحق اجرت‌المثل است، درصورتی‌که مستأجر استیفاء منفعت کرده باشد.

۴) موجر مخیر است هرکدام از اجرت‌المثل یا اجرت المسمی را از مستأجر بگیرد.

۱۴- در وکالت بلاعزل اگر وکیل قبل از اطلاع از فوت موکل قراردادی را در حدود وکالت منعقد کند کدام گزینه صحیح است؟

۱) چون وکیل بی‌اطلاع از فوت بوده است، قرارداد نسبت به ورثه موکل نافذ است.

۲) قرارداد نسبت به ورثه موکل نافذ است مگر درصورتی‌که طرف قرارداد از فوت موکل مطلع باشد.

۳) چون وکالت بلاعزل است، فوت موکل در قرارداد مذکور هیچ تأثیری ندارد.

۴) قرارداد باطل است و نسبت به ورثه موکل هیچ تأثیری ندارد.

۱۵- پس از انعقاد عقد ضمان، مضمون‌له حواله‌ای به میزان دین بر عهده ضامن صادر می‌کند. در این صورت ضامن چه وقت حق رجوع به مضمون عنه را دارد؟

۱) پس از انعقاد عقد ضمان.

۲) پس از تحقق حواله.

۳) پس از قبولی حواله توسط محتال.

۴) پس از صدور حواله از سوی مضمون‌له

پاسخنامه سؤالات حقوق مدنی سال ۱۳۸۴

۱- گزینه «۱»

ر.ک به ماده ۲۰۰ ق.م

نکته ۱: وقتی عبارت «به تصور» و «به قصد» و «به گمان» و... در سؤال می‌آید یعنی وصف موردنظر وارد قلمرو تراضی نشده است و درنتیجه عقد غیرقابل‌فسخ است.

نکته ۲: اشتباه در نکاح:

الف) اشتباه در شخص طرف (اشتباه در هویت جسمانی، مادی، فیزیکی و...) در این مورد عقد باطل است.

ب) اشتباه در شخصیت یا هویت یا وضعیت مدنی (مثلاً کسی خود را جای فرد معروفی قرار دهد) در این مورد نیز باطل است.

پ) اشتباه در وصف (عقد با وصفی بسته می‌شود بعداً می‌فهمیم فاقد آن وصف است) در این مورد عقد باطل نیست و فقط درصورتی‌که این وصف وارد عقد شده باشد طرف حق فسخ دارد. ر.ک ماده ۱۱۲۸ ق.م

نکته ۳:

اشتباه منجر به بطلان عقود	اشتباه در نوع عقد (ماهیت عقد) یکی می‌گوید فروختم دیگری می‌گوید اجاره کردم **ر.ک** ماده ۱۹۴ ق.م
	۲) اشتباه در مورد عقد (مورد معامله) مثلاً یکی می‌گوید میز را فروختم دیگری می‌گوید صندلی را خریدم ماده ۱۹۴ ق.م
	اشتباه در خود موضوع معامله (وصف اساسی مورد معامله که طرف به خاطر آن وصف معامله می‌کند) گاهی این وصف جنس است و گاه وصفی مانند عتیقه بودن **ر.ک** ماده ۲۰۰ ق.م اسامی دیگر آن به این قرار است: ماهیت مورد معامله/ وصف جوهری /وصف ذاتی /جنس مورد معامله / صورت عرفیه مورد معامله
	۴) اشتباه در شخص طرف (جایی که شخصیت مهم است.) مثل عقد نکاح و عقد مجانی **ر.ک** به ماده ۲۰۱ و ۷۶۲ ق.م

نکته ۴: در مورد بند ۴ در نکته پیشین باید گفت در عقد نکاح اشتباه مذکور موجب بطلان عقد نمی‌شود و موجب خیار فسخ است. (ر.ک ۱۲۸ ق.م)

نکته ۵: شرط ثباتی یا بنایی ← در ماده ۱۱۲۸ ق.م یعنی شرطی که اگر هم نگویند انگار گفته شده است مثلاً اگرچه زن به مرد نگوید که به شرطی زنت می‌شوم که زن نداشته باشی ولی انگار در عقد گفته‌اند پس اگر بعد مشخص شد مرد زن دارد زن حق فسخ دارد این شرط از گفتگوهای طرفین و اوضاع‌واحوال حاکم استنباط می‌شود و صحیح است.

نکته ۶: اشتباه هیچ‌گاه موجب عدم نفوذ معامله نمی‌شود. اشتباه در انگیزه وداعی هیچ تأثیری در عقد ندارد و حتی حق فسخ نیز نمی‌دهد.

نکته ۷: رابطه‌ای اشتباه با تدلیس و غبن: ضمانت اجرای اشتباه بطلان است و ضمانت اجرای تدلیس و غبن حق فسخ است. هر جا هم اشتباه مبطل عقد بود و تدلیس و غبن به‌عنوان نتیجه اشتباه در کنارش بودند عقد باطل می‌شود و نوبت به تدلیس و غبن نمی‌رسد و تدلیس در این موارد باید در خود موضوع معامله با شخص طرف باعث اشتباه شود.

نکته ۸:

موارد عدم اشتباه (در برخی موارد طرف حق فسخ دارد و در برخی موارد حق فسخ ندارد	**۱) اشتباه در اوصاف مهم مورد معامله** ← با وصف اساسی فرق دارد. وصف اساسی همان خود موضوع معامله است ولی وصف مهم سایر اوصاف‌اند. در این اشتباه طرف حق فسخ دارد و خیارش هم تخلف از وصف است؛ مثلاً من فکر کرده‌ام ماشین صفرکیلومتر خریده‌ام ولی معلوم شد ماشین کارکرده است.
	۲) اشتباه در ارزش معامله ← اشتباه در این مورد باعث ایجاد حق فسخ می‌شود و خیارش هم خیار غبن است
	۳) اشتباه در انگیزه وداعی اشتباه وقتی مؤثر است که وصف اساسی که در آن اشتباه شده است مورد تراضی قرار گیرد و وارد عقد شود اگر وارد عقد نشود می‌شود اشتباه در انگیزه و عقد در این صورت نه‌تنها باطل نیست قابل‌فسخ هم نیست.
	۴) اشتباه در جهت معامله (هدف معامله) ← مثلاً شخص معامله می‌کند که به هدفی برسد مثلاً برود خارج و بعد موفق نمی‌شود معامله نه باطل است و نه قابل‌فسخ است.
	۵) اشتباه در شخص طرف در جایی که شخصیت مهم نیست مثلاً در عقد بیع عقد نه باطل است و نه قابل‌فسخ است (ر. ک ماده ۲۰۱ ق.م)
	۶) نتیجه‌گیری موارد ۳ و ۴ و ۵ اگر در عقد شرط شوند در صورت تخلف مشتبه حق فسخ دارد.

نکته ۹: زن اگر قصد ازدواج دائم با مردی را داشته باشد و مرد به تصور اینکه مقصودش ازدواج موقت است قبولی خود را اعلام کند هیچ عقدی بین آن‌ها منعقد نشده است چون در اینجا اشتباه در نوع و ماهیت عقد است.

نکته ۱۰:

اوصاف مورد معامله	۱) اوصاف اساسی (خود موضوع معامله) که تخلف از آن موجب بطلان عقد است.
	۲) اوصاف مهم که تخلف از آن موجب پیدایش خیار فسخ است مشروط بر اینکه اوصاف وارد قلمرو تراضی شده باشند.
	۳) اوصاف غیراساسی (غیرمهم) در صورتی موجب پیدایش حق فسخ می‌باشد که وارد قلمرو تراضی شده باشد.

۲- گزینه «۲»

ر.ک به ماده ۲۳۰ قانون مدنی

نکته ۱۱: وجه التزام ماده ۲۳۰ ق.م خسارت تخلف از انجام تعهد است که میزان آن در عقد معین شده است و متخلف باید همان را بدهد. این وجه ضمانت اجرای تأخیر یا عدم انجام تعهدات قراردادی است.

نکته ۱۲: همانند خسارت دو نوع وجه التزام داریم ← ۱) وجه التزام راجع به عدم انجام تعهد ۲) وجه التزام راجع به تأخیر اجرای تعهد

نکته ۱۳: شرط تحدید مسئولیت (محدودکننده یا مصونیت) با وجه التزام فرق دارد. در شرط تحدید مسئولیت حداکثر مسئولیت مشخص می‌شود پس اولاً باید میزان واقعی خسارت ثابت شود. ثانیاً اگر میزان واقعی خسارت کمتر از آن رقم قرارداد باشد متعهد فقط ملزم به جبران خسارت واقعی است ولی اگر خسارت واقعی بیشتر از رقم شرط تحدید باشد متعهد نسبت به مازاد بر میزان شرط شده مسئولیت ندارد.

نکته ۱۴: اگر در مبلغ شرط در قرارداد «تا» نداشت وجه التزام است ولی اگر «تا» داشت شرط تحدید است.

نکته ۱۵: شرط عدم مسئولیت یعنی شرط می‌شود متعهد مسئول نباشد که این شرط درست است به‌جز در سه مورد:

۱) تقصیر عمدی و اضرار عمد (پس در تقصیر غیرعمدی درست است) ۲) خسارات بدنی ۳) لطمه به حیثیت، شرافت و آبرو.

۳- گزینه «۴»

ر.ک به بند ۲ ماده ۲۳۲ قانون مدنی

نکته ۱۶: رابطه عقد و شرط رابطه اصل‌وفرع است درنتیجه ← ۱) اگر از ابتدا عقد باطل باشد شرط هم باطل است ۲) اگر شرط باطل باشد عقد باطل نیست. البته این دو مورد استثنائاتی دارند که بدین قرارند: شروط باطل (مبطل و غیر مبطل) / شروط صحیح / اسقاط شرط / انحلال شرط

نکته ۱۷: رابطه نظم عمومی و اخلاق حسنه ← عموم و خصوص مطلق است یعنی نظم عمومی عام است و اخلاق حسنه خاص است.

نکته ۱۸: شرط نامشروع و شرطی که جهت آن نامشروع است هردو باطل و غیر مبطل‌اند.

نکته ۱۹: اگر مشروط له می‌دانسته که شرط باطل است به دلیل قاعده‌ی اقدام حق فسخ ندارد ولی اگر جاهل باشد حق فسخ دارد. (یادداشت شماره ۵ ماده ۲۳۲ ق.م)

نکته ۲۰: وقتی در امتحان می‌گوید شرطی باطلی داریم باید توجه نمود که منظور شرط باطل غیر مبطل است.

نکته ۲۱: بند ۱ ماده ۲۳۲ ق.م راجع به شرطی که انجام آن غیرمقدور باشد فقط ناظر به شرط فعل است. شرط صفت و نتیجه چون تعهد نمی‌باشند قابل‌اجرا نیستند.

نکته ۲۲: شروط باطل و غیر مبطل که تشکیل می‌شود از:

۱) شروط نامقدور: غیرقابل انجام است و خود شامل دو قسم است:

الف) مطلق: منظور ماده‌این است یعنی هیچ‌کسی نتواند تعهد را انجام دهد.

ب) نسبی: باطل نیست بلکه پول را از مشروط علیه می‌گیریم و به دیگری می‌دهیم تا آن را انجام دهد.

۲) شروط بی‌فایده: برای مشروط له فایده ندارد. ملاک شخصی است و حتی اگر فقط برای مشروط له فایده داشته باشد بی‌فایده نیست.

۳) شروط نامشروع: یعنی شرطی که مخالف است با:

الف) قانون امری ب) نظم عمومی پ) اخلاق حسنه

نکته ۲۳: منظور از شرط نامقدور در ماده نامقدور مطلق است. از دیگر شروط باطل غیر مبطل شرط مجهولی است که موجب جهل به عوضین نشود.

نکته ۲۴: شرطی که نامشروع است با شرطی که جهت آن نامشروع است فرق دارد. شرط نامشروعی که جهت معامله را نامشروع کند جزء شروط باطل و مبطل است.

۴- گزینه «۳»

ر.ک به ماده ۳۱۵ قانون مدنی

نکته ۲۵: در صورت تلف مال قیمی مغضوب در ید غاصب وی ضامن قیمت حین الاداء است.

نکته ۲۶: غاصب و در حکم غاصب یدشان ضمانی است و درهرحال مسئول‌اند و نمی‌توانند قوه قاهره را مستند فعل خود قرار دهند و مسئولیت غاصب عینی یا مطلق یا محض است.

نکته ۲۷:

مسئولیت غاصب	۱) عین مال دست غاصب موجود است ← باید عین را پس دهد (۳۱۱ ق.م) خواه زیاد یا کم شده باشد. اگر زیاد شده باشد طبق ماده ۳۱۴ ق.م و اگر کم شده باشد طبق ماده ۳۱۵ ق.م عمل می‌کنیم.
	۲) مال تلف‌شده ← غاصب باید طبق ماده ۳۱۱ ق.م بدل بدهد. (منظور از بدل مثل یا قمت است.)
	۳) مال موجود است ولی گم شده است← باید بدل حیلوله بدهد. در قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی بدل حیلوله مالی شبیه مال مغصوب است. هر مال قیمی شبیهی دارد و این را بدل حیلوله می‌گویند. غاصب بدل حیلوله را به مالک می‌دهد و ملک مالک می‌شود. اگر مال مالک پیدا شد مالک مالش را می‌گیرد و بدل حیلوله را به غاصب پس می‌دهد و اگر بدل حیلوله دست مالک نبود مالک ملکش را می‌گیرد و مثل یا قیمت بدل حیلوله را به غاصب می‌دهد.

نکته ۲۸: در غصب اگر قیمتی که قانون می‌گوید خسارت مالک را جبران نکند وی می‌تواند اضافه‌اش را نه از باب غصب بلکه از باب تسبیب از غاصب بگیرد.

نکته ۲۹: در حقوق ایران، مسئولیت در قانون مسئولیت مدنی و همچنین مسئولیت ناشی از تسبیب مبتنی بر نظریه تقصیر می‌باشند. مسئولیت پیش‌بینی‌شده در قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه مبتنی بر نظریه خطر است و مسئولیت غاصب مبتنی بر نظریه تضمین است.

نکته ۳۰: (ماده ۳۱۵ ق.م) در غصب و ضمان غاصب، نیازی به وجود رابطه سببیت بین فعل شخص و ضرر وارده برای جبران خسارت نیست.

نکته ۳۱:

فروض مختلف مال مغصوب (ماده ۳۱۲ ق.م)	**۱) مال مغصوب** ← مثلی بوده و تلف شده است و مثل آن دیگر وجود ندارد در اینجا ← غاصب باید قیمت زمان اداء را بدهد.
	۲) مال مغصوب ← مثلی بوده و تلف شده (البته می‌تواند تلف هم نشده باشد) الآن مثل آن وجود دارد ولی ارزشی ندارد چون مال از مالیت افتاده است در اینجا ← غاصب باید آخرین قیمت (قیمت زمان تلف) را بدهد.
	۳) مال مغصوب قیمی بوده و تلف شده است در اینجا ← غاصب باید قیمت حین-الاداء را بدهد.

نکته ۳۲: اگر **کسی** ماشین دیگری را سرقت کند و با راننده دیگری که مقصر هم بوده است تصادف کند مالک برای جبران خسارت (دریافت تمام خسارتش) به هر یک بخواهد می‌تواند رجوع کند چون سارق غاصب است و از باب غصب ضامن است همچنین مالک می‌تواند از باب تسبیب به راننده مقصر مراجعه کند. (۳۳۱ ق.م)

۵- گزینه «۲»

۶- گزینه «۴»

ر.ک به ماده ۱۰۶۹ قانون مدنی

ماده ۱۰۶۹ ق.م «شرط خیار فسخ نسبت به عقد نکاح باطل است ولی در نکاح دائم شرط خیار نسبت به صداق جایز است مشروط بر اینکه مدت آن معین باشد و بعد از فسخ مثل آن است که اصلاً مهر ذکر نشده باشد.»

نکته ۳۲: شرط خیار برای فسخ نکاح باطل است ولی عقد را فاسد نمی‌کند و باید آن را از امور فرعی به شمار آورد نه قید تراضی

۷- گزینه «۴»

ر.ک به ماده ۱۱۵۴ قانون مدنی

ماده ۱۱۵۹ ق.م «هر طفلی که بعد از انحلال نکاح متولد شود ملحق به شوهر است مشروط بر اینکه مادر هنوز شوهر نکرده و از تاریخ انحلال نکاح تا روز ولادت طفل بیش از دو ماه نگذشته باشد مگر آن‌که ثابت شود که از تاریخ نزدیکی تا زمان ولادت کمتر از شش ماه و یا بیش از ده ماه گذشته باشد»

۸- گزینه «۱»

ر.ک به مواد ۸۳۰، ۸۴۳ و ۸۴۵ قانون مدنی

ماده ۸۳۰ ق.م «نسبت به موصی‌له رد یا قبول وصیت بعد از فوت موصی معتبر است بنابراین اگر موصی‌له قبل از فوت موصی و نیت را رد کرده باشد بعد از فوت می‌تواند آن را قبول کند و اگر بعد از فوت آن را قبول و موصی‌به را قبض کرد دیگر نمی‌تواند آن را رد کند لیکن اگر قبل از فوت قبول کرده باشد بعد از فوت قبول ثانوی لازم نیست»

ماده ۸۴۳ ق.م «وصیت به زیاده بر ثلث ترکه نافذ نیست مگر به اجازه وراث و اگر بعض از ورثه اجازه کند فقط نسبت به سهم او نافذ است»

ماده ۸۴۵ ق.م «میزان ثلث به اعتبار دارائی موصی در حین وفات معین می‌شود نه به اعتبار دارائی او در حین وصیت»

نکته ۳۳: قبول ورد مختص وصیت تملیکی است

نکته ۳۴: اگر موصی‌له در زمان حیات موصی قبول یا رد کند فایده ندارد فقط قبولش استصحاب می‌شود یعنی اگر قبل از فوت موصی قبول کند بعد از فوت دیگر نیازی نیست قبول کند. رد استصحاب نمی‌شود.

نکته ۳۵: موصی مرد و موصی‌له قبول کرد عقد منعقد و تملیک واقع می‌شود حال این عقد نسبت به موصی‌له جایز است و اگر وی موصی‌به را قبض کند عقد لازم می‌شود پس ← قبض در وصیت تملیکی شرط لازم است و در عقود عینی شرط صحت است.

نکته ۳۶: وقتی موصی بمیرد قبول و رد به موصی‌له می‌رسد و اگر وی هم بمیرد (پیش از قبول یا رد) وصیت باطل می‌شود و حق قبول یا رد به ورثه‌ی موصی‌له نمی‌رسد چون وصیت تملیکی مجانی است و قائم به شخص است ولی اگر قبول کند و بمیرد مالک شده و وصیت به ورثه می‌رسد

نکته ۳۷: وقتی موصی بمیرد و موصی‌له بعد از مدتی قبول کند از زمان قبول مالک می‌شود (۸۲۷ ق.م) یعنی قبول ناقل است نه کاشف. همه‌جا باید بگوییم ناقل مگر اینکه قانون گفته باشد کاشف است

نکته ۳۸: وصیت تا ثلث درست است و زیادتر از ثلث غیر نافذ است ملاک ثلث زمان فوت است نه زمان وصیت (ماده ۸۴۵ ق م) یعنی ثلث دارایی خالص پس از کسر دیون

نکته ۳۹: ورثه بعد از فوت موصی باید زاید بر ثلث را رد یا تنفیذ کنند. قبل از فوت موصی تنفیذ یا رد ورثه اثری ندارد فقط تنفیذ استصحاب می‌شود.

۹- گزینه «۲»

ر.ک به ماده ۸۹۶ قانون مدنی

۱۰- گزینه «۳»

ر.ک به ماده ۸۱۲ قانون مدنی

نکته ۴۰: اجرای این ماده در فرضی که دو کالا با یک ثمن فروخته شده است، بر مبنای ماده ۴۴۲ ق.م انجام می‌شود تا حصه بعضی که قابل شفعه است از ثمن تعیین گردد.

۱۱- گزینه «۲»

ر.ک به بند ۲ ماده ۵۱ قانون مدنی

۱۲- گزینه «۴»

ر.ک به مواد ۳۸۷، ۳۸۸ و ۳۸۹ قانون مدنی

۱۳- گزینه «۳»

ر.ک به ماده ۴۹۴ قانون مدنی

نکته ۴۱: اجرای این ماده در فرضی که دو کالا با یک ثمن فروخته شده است، بر مبنای ماده ۴۴۲ ق.م انجام می‌شود و ثمن به همان شیوه تقسیم می‌شود تا حصه بعضی که قابل شفعه است از ثمن تعیین گردد.[۱]

۱۴- گزینه «۱»

۱۵- گزینه «۲»

ر.ک به ماده ۷۱۰ قانون مدنی

---

[۱]- کاتوزیان ناصر، منبع پیشین، ص ۴۹۹

توضیح آنکه از زمان تحقق حواله، طلب مضمون له به محتال منتقل می‌شود و این امر در حکم پرداخت تلقی می‌گردد. لذا تا زمانی که حواله محقق نشده (قبولی هر سه طرف) حواله فاقد اثر می‌باشد و صرف صدور حواله از سوی مضمون له یا صرف قبولی حواله توسط محتال در حکم پرداخت نمی‌باشد.

- **نکته ۴۲:** برخی کارها نیز در حکم دادن دین است و در صورت روی دادن آن‌ها ضامن حق رجوع دارد مثلاً اینکه ضامن حواله بدهد یا طلبکار حواله بدهد (۷۱۰ ق.م) یا مالکیت ما فی الذمه که ضامن حق رجوع دارد (۷۱۲ ق.م) یا در مورد تهاتر که در مواد قانونی پیش‌بینی نشده است) ضامن از طلبکار، طلبکار می‌شود و دینش با تهاتر از بین می‌رود و حق رجوع دارد
- **نکته ۴۳:** در مورد حواله مورداشاره در بالا ضامن پس از تحقق حواله حق رجوع به مضمون عنه دارد.

سؤالات آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۸۴

۱۶- اگر نقایص دادخواست ظرف مدت ده روزه‌ای که دفتر دادگاه به خواهان می‌دهد، رفع نشود، .....

۱) دادگاه قرار رد دادخواست را صادر می‌کند.

۲) دفتر دادگاه قرار ابطال دادخواست را صادر می‌کند.

۳) دفتر دادگاه قرار رد دادخواست را صادر می‌کند.

۴) دادگاه قرار ابطال دادخواست را صادر می‌کند.

۱۷- توکیل در اقرار (از جانب موکل به وکیل) .....

۱) کلاً پذیرفته است.

۲) کلاً مردود است.

۳) فقط نسبت به اموری که قاطع دعوی باشد، پذیرفته است.

۴) فقط در اموری که قاطع دعوی باشد، پذیرفته نیست.

۱۸- دعوای ناشی از تعهدات شرکت در مقابل اشخاص خارج از آن .....

۱) فقط باید در دادگاه محل اقامت خوانده (شرکت) طرح شود.

۲) فقط باید در دادگاه محل واقع‌شده تعهد طرح شود.

۳) فقط باید در دادگاه محل تسلیم کالا طرح گردد.

۴) همه دادگاه‌های فوق و همچنین دادگاه محل تسلیم ثمن صلاحیت رسیدگی دارند.

۱۹- اتخاذ تصمیم دادگاه در مورد ایراد صلاحیتی خوانده در صورتی است که .....

۱) فقط مربوط به صلاحیت محلی باشد.

۲) فقط مربوط به صلاحیت ذاتی باشد.

۳) تفاوتی ندارد که مربوط به کدام نوع از صلاحیت‌ها است.

۴) در هیچ‌یک از انواع صلاحیت، اساساً ضرورتی به ایراد خوانده نیست.

۲۰- اگر خوانده دعوی ایراد کند که سابقاً همین دعوی به همین جهت و بین همین اصحاب دعوی مطرح بوده و نسبت به آن قرار سقوط دعوی صادرشده و این امر را اثبات کند، حکم دادگاه .....

۱) قرار رد دعوی خواهد بود.

۲) قرار رد دادخواست خواهد بود.

۳) قرار ابطال دادخواست خواهد بود.

۴) قرار سقوط دعوی اعتبار امر قضاوت شده را ندارد.

۲۱- اگر خواهان اصل سند عادی خود را در جلسه دادرسی حاضر نکند و آن سند موردتردید طرف مقابل واقع شود و دعوای وی متکی به ادله دیگر اثباتی (غیر از سند عاید مزبور) نباشد دادگاه .....

۱) قرار رد دعوای خواهان را صادر می‌کند.
۲) قرار ابطال دادخواست خواهان را صادر می‌کند.
۳) حکم به بی‌حقی خواهان می‌دهد.
۴) حکم به بطلان دعوای خواهان می‌دهد.

۲۲- دادگاه مکلف به صدور قرار تأمین خواسته همراه با دریافت خسارت احتمالی نقدی است درصورتی‌که: .....

۱) دعوی مستند به سند رسمی باشد.
۲) دعوی در معرض تضییع و یا تفریط باشد.
۳) در مواردی که به‌موجب قانون (مثل اوراق تجاری واخواست شده) دادگاه مکلف به صدور قرار تأمین خواسته است.
۴) در موارد فوق خسارت احتمالی دریافت نمی‌شود و دریافت خسارت فقط ناظر به موردی است که ممکن است به طرف مقابل خسارتی وارد آید.

۲۳- در ورود شخص ثالث به دعوی خواهان .....

۱) تا وقتی‌که ختم دادرسی اعلام‌نشده (چه در مرحله بدوی و چه در مرحله تجدیدنظر) می‌تواند دادخواست خود را تسلیم کند.
۲) بدون اظهار دلایل خود در جلسه اول دادرسی تا سه روز دادخواست تسلیم نماید.
۳) تا پایان جلسه اول دادرسی جهات و دلایل خود را اظهار کند و ظرف سه روز نیز دادخواست بدهد.
۴) تا پایان جلسه اول دادرسی دادخواست بدهد.

۲۴- پس از صدور رأی مرجع به تصرف عدوانی به نفع درخواست‌کننده؛ درخواست تجدیدنظر طرف وی .....

۱) مانع اجرا است.
۲) مانع اجرا نیست.
۳) در صورت سپرده شدن خسارت احتمالی از جانب ذینفع موقتاً قابل‌اجرا است.
۴) در صورت تودیع شدن خسارت احتمالی از جانب خوانده اجرای حکم موقتاً به تأخیر می‌افتد.

۲۵- اعتراض به رأی داور .....

۱) کلاً مانع اجرا نیست.
۲) کلاً مانع اجرا است.
۳) مانع اجرا نیست مگر این‌که دادگاه قرار توقیف اجرای آن را صادر نماید.
۴) مانع اجرا است مگر این‌که دادگاه قرار اجرای موقت آن را صادر نماید.

۲۶- اگر دادخواست اعاده دادرسی در مهلت قانونی تسلیم نشده باشد، رأی دادگاه چه خواهد بود؟

۱) قرار رد دادخواست
۲) قرار ابطال دادخواست
۳) قرار رد دعوی
۴) حکم به بی‌حقی خواهان اعاده دادرسی.

۲۷- مهلت قضایی آن است که .....

۱) دادگاه میزان آن را تعیین می‌کند.

۲) قانون‌گذار میزان آن را تعیین می‌کند.

۳) حداقل آن را دادگاه و حداکثر آن را قانون‌گذار تعیین می‌کند.

۴) حداقل آن را قانون‌گذار و حداکثر آن را دادگاه تعیین می‌کند.

۲۸- پس از اثبات اعسار در دادگاه مقصر می‌تواند .....

۱) از پرداخت هزینه دادرسی و پرداخت حق‌الوکاله وکیل موقتاً معاف است و حق داشتن وکیل معاضدتی را نیز دارد. (فقط در آن دعوی که ادعای اعسار شده).

۲) از پرداخت هزینه دادرسی و حق‌الوکاله وکیل (در آن دعوایی که در آن ادعای اعسار شده) کلاً معاف است.

۳) از پرداخت هزینه‌های دادرسی و حق‌الوکاله وکیل در کلیه دعاوی بعدی موقتاً معاف است.

۴) از پرداخت هزینه‌های دادرسی و حق‌الوکاله وکیل در کلیه دعاوی بعدی دائماً معاف است.

۲۹- برای مطالبه خسارت‌های ناشی از دادرسی و یا تأخیر در انجام تعهد که مستقلاً طرح می‌شوند .....

۱) فقط نیازی به تقدیم دادخواست نیست.

۲) مستلزم تقدیم دادخواست است.

۳) صرف دادخواست (بدون رعایت تشریفات دادرسی) کافی است.

۴) اساساً فاقد هرگونه تشریفات دادرسی (حتی تسلیم دادخواست) است.

۳۰- اگر رأی دادگاه مبنی بر استرداد عین یک مال باشد .....

۱) مقررات مربوط به مستثنیات دین کلاً بر آن جاری است.

۲) کلاً از شمول مقررات مربوط به مستثنیات دین خارج است.

۳) اگر مال منقول باشد مقررات مربوط به مستثنیات دین بر آن جاری است.

۴) اگر مال غیرمنقول باشد مقررات مربوط به مستثنیات دین بر آن جاری است.

پاسخنامه سؤالات قانون آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۸۴

۱۶- گزینه «۳»

ر.ک به ماده ۵۴ قانون آئین دادرسی مدنی

نکته ۴۴: مدیر دفتر مکلف به صدور قرار رد درخواست و ابلاغ آن به دادخواست دهنده می‌باشد، دادخواست دهنده می‌تواند ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ قرار، نسبت به آن در دادگاه مرجع دادخواست (همان شعبه) بدون پرداخت هزینه در رعایت تشریفات اعتراض (شکایت) نماید. رأی دادگاه در این خصوص قطعی است.[۱]

نکته ۴۵: در مورد اعمال مقررات مربوط به رفع نقص در زمینه انحصار وراثت اختلاف‌نظر وجود دارد. برخی بر این باورند با وحدت ملاک از مقررات آ.د.م باید طبق مواد ۵۳ و ۵۴ عمل نمود و برخی دیگر بر این عقیده هستند که در قانون امور حسبی مواردی که باید مطابق ق.آ.د.م عمل شود تصریح‌شده و در غیرازاین موارد اجرای مقررات این قانون در امور حسبی جایز نیست. در این صورت مدیر دفتر دادگاه باید پرونده را بایگانی کرده و در صورت مراجعه ذی‌نفع و تکمیل آن دوباره آن را به جریان اندازد.[۲]

نکته ۴۶: مهلت رفع نقص

در ماده ۵۴ فاصله بین تاریخ تقدیم دادخواست و تاریخ صدور اخطار رفع نقص نباید بیش از ۲ روز باشد، البته درصورتی‌که اخطار رفع نقص خارج از مهلت ۲ روز صادر شود بدین معنا نیست که اخطاریه باطل و بی‌اثر است بلکه تأخیر در صدور اخطار رفع نقص نوعی تخلف اداری است.[۳]

نکته ۴۷: ابلاغ تفصیلی موارد نقص

درصورتی‌که دادخواست تقدیمی خواهان ناقص باشد صدور اخطار کلی برای خواهان مبنی بر اینکه دادخواست او ناقص است منشاء اثر نخواهد بود.

نکته ۴۸ مهم: در ارتباط با نوشتن ادله در دادخواست نیز، آنچه مربوط به دفتر دادگاه و موجب صدور اخطار رفع نقص می‌باشد این است که برای مثال مشخصات گواهان که گواهی آن‌ها مورد استناد است در دادخواست نوشته نشده باشد. والا استناد کردن یا نکردن به دلیل یا آن وسیله در حیطه اختیار خواهان و نهایتاً آثار ماهوی بوده و از محدوده وظایف دفتر دادگاه خارج است. البته اگر خواهان اسنادی را مورد استناد قرار داده باشد باید در ارائه آن‌ها مقررات را رعایت نماید، در غیر این صورت با اخطار رفع نقص روبه‌رو خواهد شد.[۴]

---

[۱]- شمس، عبدالله، منبع پیشین، ش ۹۵، ص ٦٤

[۲]- حیاتی، عباس، منبع پیشین، ص ۱۲٦

[۳]- مهاجری، علی، منبع پیشین، ش ۲۰۷، ص ۲۳٦

[٤]- عبدا... شمس، منبع پیشین، ش ۷٦، ص ۵۲

نکته ۴۹ خیلی خیلی مهم:

* **صدور قرار رد دادخواست بدوی** و **صدور قرار رد دادخواست واخواهی** از وظایف مدیر دفتر و اختیارات او است.

* صدور قرار رد دادخواست فرجام و تجدیدنظر از **وظایف دادگاه** است.[۱]

۱۷- گزینه «۴»

ر.ک به ماده ۲۰۵ قانون آئین دادرسی مدنی

۱۸- گزینه «۴»

ر.ک به مواد ۱۱، ۱۲ و ۲۳ قانون آئین دادرسی مدنی

نکته ۵۰: در ماده ۱۱ اصل صلاحیت دادگاه «محل اقامت خوانده» بیان شده است. این ماده تعریفی از اقامتگاه ارائه نکرده و دلیل آن این است که تعریف اقامتگاه در ماده ۱۰۰۲ ق.م تعریف شده است.

«اقامتگاه هر شخصی عبارت است از محلی که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز آنجا باشد و اگر محل سکونت شخص غیر از مرکز مهم او باشد مرکز امور او اقامتگاه محسوب است. اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آن‌ها خواهد بود»

نکته ۵۱: ماده ۴۸ ق.امور حسبی مصوب ۱۳۱۹/۲/۲:

امور قیمومت راجع به دادگاه شهرستانی است که اقامتگاه محجور در حوزه آن دادگاه است و اگر محجور در ایران اقامتگاه نداشته باشد دادگاهی که محجور در حوزه آن سکنی دارد و برای امور قیمومت صالح است.

نکته ۵۲: رأی وحدت رویه شماره ۲۲۳ مورخه ۱۳۲۳/۷/۲۷

طبق ماده ۴۸ ق.ا.ح امور قیمومت نسبت به محجوری که اقامتگاه او در ایران است با دادگاه شهرستانی است که اقامتگاه محجور در حوزه آن می‌باشد؛ بنابراین مرجع تعیین قیم برای صغیر مقیم ایران دادگاه شهرستانی است که اقامتگاه صغیر در آن حوزه باشد اعم از اینکه اقامتگاه پدر صغیر که فوت‌شده در آنجا بوده یا نبوده است.

نکته ۵۳: دعوای تمکین چون راجع به مال منقول ناشی از عقود نکاح نیست باید در دادگاه محل اقامت خوانده طرح شود.

نکته ۵۴ خیلی مهم: مطالبه پول نقاشی چنانچه از عقود قرارداد ناشی شده باشد دین محسوب گردیده و با توجه به ماده ۲۰ ق.م «در حکم منقول» بوده و رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده است.

---

[۱]- مهاجری، علی، منبع پیشین، ص ۲۴۲، ش ۲۱۵

ماده ۲۰ ق.م «کلیه دیون، از قبیل قرض و ثمن بیع و مال‌الاجاره عین مستأجره (همه اجرت المسمی هستند) از حیث صلاحیت محاکم در حکم منقول بوده و لو اینکه بیع یا عین مستأجره از اموال غیرمنقول باشد»

*مطالبه دیون ناشی از اموال غیرمنقول در غیر مورد عقود و قراردادها از دادگاه بر اساس ماده ۲۰ ق.م غیرمنقول تبعی است.

- **نکته ۵۵**: دعوای مربوط به تولیت موقوفات غیرمنقول تابع غیرمنقول است و باید در محل مال موقوفه اقامه گردد.
- **نکته ۵۶**: تغییر اقامتگاه خوانده و یا تغییر در حوزه قضایی در جریان دادرسی، تأثیری در صلاحیت دادگاه محلی که خوانده در زمان اقامه دعوا در آن مقیم بوده، نخواهد داشت. در حقیقت «... مناط صلاحیت تاریخ تقدیم دادخواست است مگر در مواردی که خلاف آن مقررشده»[۱] ماده ۲۶ ق.آ.د.م

ماده ۱۰۰۴ ق.م «تغییر اقامتگاه به‌وسیله سکونت حقیقی در محل دیگری به عمل می‌آید مشروط بر اینکه مرکز مهم امور او نیز به همان محل انتقال یافته باشد»

- **نکته ۵۷**: در قانون جدید تکلیف خواهانی که در ایران اقامتگاه ندارد نامشخص می‌ماند، مگر اینکه تفسیر شود چنانچه خواهان مقیم ایران باشد مکلف است دعوا را در محل اقامت خود اقامه نماید و درصورتی‌که خود نیز مقیم خارج از کشور باشد می‌تواند دعوا را در هریک از دادگاه‌های ایران مطرح نماید.[۲]
- **نکته ۵۸**: در دعاوی خانوادگی، وقتی خوانده مقیم خارج باشد، بدون توجه به وجود محل سکونت یا وجود اموال غیرمنقول خواهان می‌تواند در دادگاه محل اقامت خود اقامه دعوا کند.[۳]
- **نکته ۵۹**: در دعاوی و امور خانوادگی، مربوط به زوجین، زوجه می‌تواند در دادگاه محل اقامت خوانده یا محل سکونت خود اقامه دعوی کند مگر در موردی که خواسته، مطالبه مهریه غیرمنقول باشد. (م ۱۲ ق حمایت از خانواده)
- **نکته ۶۰**: ماده ۱۴ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱

هرگاه یکی از زوجین مقیم خارج از کشور باشد، دادگاه محل اقامت طرفی که در ایران اقامت دارد برای رسیدگی صالح است. اگر زوجین مقیم خارج از کشور باشند ولی یکی از آنان در ایران سکونت موقت داشته باشد دادگاه محل سکونت فرد ساکن در ایران و اگر هردو در ایران سکونت موقت داشته باشند «دادگاه محل سکونت موقت زوجه برای رسیدگی صالح است». هرگاه هیچ‌یک از زوجین در ایران سکونت نداشته باشند دادگاه شهرستان تهران صلاحیت رسیدگی دارد مگر آنکه زوجین برای اقامه دعوی در محل دیگر توافق کنند.

---

[۱]- همان، ش ۷۰۱

[۲]- همان، ش ۷۱۲

[۳]- حیاتی، عباس، منبع پیشین، ص ۴۰

نکته ۶۱: ماده ۸ ق حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱

رسیدگی در دادگاه خانواده با تقدیم دادخواست و بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی انجام می‌شود.

تبصره: هرگاه خواهان، خوانده را مجهول‌المکان معرفی کند، باید آخرین اقامتگاه او را به دادگاه اعلام کند، دادگاه به طرق مقتضی دراین‌باره تحقیق و تصمیم‌گیری می‌کند.

نکته ۶۲: چنانچه خوانده دعوا مقیم خارج از کشور باشد و در ایران نه محل سکونت موقتی و نه مال غیرمنقولی داشته باشد خواهان می‌باید دعوای خود را در **دادگاه محل اقامت خواهان** مطرح کند.

نکته ۶۳: چنانچه خوانده خارجی و مقیم خارجی و خواهان مقیم ایران باشد، دعوای شخصی باید **در دادگاه محل اقامت محل اقامت خواهان اقامه شود.**

نکته ۶۴: خیلی مهم

در مورد مطالبه مَهریه منقول، زوجین **می‌توانند**، دعوای خود را در **دادگاه محل اقامت خوانده و یا محل وقوع یا انعقاد عقد نکاح یا محل سکونت خود**، اقامه نمایند.

توضیح: اگر خواهان مهریه، زوجه بوده و مهریه منقول باشد، می‌تواند در دادگاه محل وقوع یا اجرای عقد نکاح، دادگاه محل اقامت زوج، دادگاه محل سکونت زوجه و محل اقامت خوانده (که ممکن است زوج یا ورثه او یا متعهد مهریه باشد) طرح دعوا کند.

به دلالت ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ اگر مهریه غیرمنقول باشد، دعوای مطالبه مهریه باید در محل وقوع ملکی که مهریه واقع‌شده طرح گردد.

نکته ۶۵: دعوی الزام به تنظیم سند رسمی یک دستگاه آپارتمان در صلاحیت **دادگاه عمومی محل اقامت خوانده است.**

نکته ۶۶: تنظیم سند ازجمله تعهدات است و طبق ماده ۲۰ ق.م در حکم منقول است؛ بنابراین دادگاه اقامت خوانده صالح است.

نکته ۶۷: هرگاه شعبه شرکتی ملکی را غصب نماید مالک ملک دعوی خلع ید باید در **دادگاه محل وقوع ملک** اقامه کند.

۱۹- گزینه «۳»

۲۰- گزینه «۱»

ر.ک به بند ۶ ماده ۸۴ ق.آ.د.م و ماده ۸۹ ق.آ.د.م

۲۱- گزینه «۲»

ر.ک به ماده ۹۶ قانون آئین دادرسی مدنی

نکته ۶۸: مهم‌ترین تکلیف اصحاب دعوا، ارائه اصول مستنداتی در اولین جلسه دادرسی است که تصویر یا رونوشت آن‌ها پیوست دادخواست شود.

نکته ۶۹: درخواست استمهال جهت ارائه اصول مستندات مختص خوانده است و خواهان از این حق برخوردار نیست.

۲۲- گزینه «۴»

ر.ک به ماده ۱۰۸ قانون آئین دادرسی مدنی

نکته ۷۰: رأی وحدت رویه ۵۳۶-۱۳۶۹/۷/۱۰

گواهی بانک محال‌علیه دایر بر عدم تأدیه وجه چک که ظرف ۱۵روز به بانک مراجعه شده به‌منزله واخواست می‌باشد (بند ج م ۱۰۸)

نکته ۷۱: موضوع تأمین خواسته عبارت است از توقیف عین خواسته یا معادل آن (قیمت آن)

نکته ۷۲: تأمین خواسته همیشه ماهیتاً درخواست است. دستور موقت هم همیشه ماهیتاً درخواست است. درخواست تقاضایی است که برای دادگاه مرحله دادرسی را آغاز نمی‌کند و برخلاف دادخواست ملتزم رسیدگی ماهوی نیست.

نکته ۷۳: نتیجه درخواست‌ها همیشه قراراست، به‌جز درخواست ابطال رأی داور که نتیجه آن حکم به ابطال رأی داوری است.

نکته ۷۴: در سه بند اول ماده ۱۰۸ ق.آ.د.م صدور قرار تأمین خواسته منوط به گرفتن هیچگونه تأمینی از سوی خواهان نیست.

نکته ۷۵: خواهان باید در معرض تضییع یا تفریط بودن خواسته را اثبات کند.

نکته ۷۶: قرار تأمین خواسته جزء قرارهای موقت است.

نکته ۷۷: چنانچه خواهان دعوای اصلی درخواست تأمین خواسته نموده و اموال خوانده توقیف شده باشد. خوانده دعوای متقابل اقامه کرده آیا خوانده این دعوا که خواهان قبلی است، می‌تواند علیه خواهان و دعوای متقابل درخواست تأمین کند؟

جواب: بله می‌تواند.[1]

نکته ۷۸: خیلی مهم؛ خواهان دعوای اضافی و متقابل می‌تواند درخواست تأمین دهد ولی «مجلوب ثالث» نمی‌تواند.

نکته ۷۹: در صدور قرار تأمین خواسته علیه خوانده چنانچه صدور قرار به سپردن خسارت احتمالی باشد، خسارت احتمالی الزاماً باید وجه نقد باشد.

نکته ۸۰: خیلی مهم؛ بنا به ماده ۲۲۱ ق اجرای احکام مدنی:

دعوی راجع به ترکه، در مدت تحریر ترکه، توسط دادگاه توقیف می‌شود و به درخواست مدعی، قرار تأمین خواسته درصورتی‌که شرایط موجود باشد بدون گرفتن تأمین صادر می‌شود.

---

[1]- جلد سوم شمس شماره ۷۶۰ به بعد

نکته ۸۱: هرگاه دادگاه برای صدور قرار تأمین خواسته میزان تأمینی را که خواهان باید بدهد تعیین نماید این تأمین، باید به‌صورت وجه نقد باشد و هیچ‌یک از طرفین نمی‌تواند نسبت به تصمیم دادگاه در خصوص گرفتن تأمین از خواهان و میزان تعیین‌شده شکایت نمایند.

*هزینه دادرسی در دعاوی غیرمالی و درخواست تأمین دلیل و تأمین خواسته در کلیه مراجع قضایی مبلغ پنج هزار ریال تعیین می‌شود.

نکته ۸۲: سند مسلم الصدور نوعی سند عادی می‌باشد؛ بنابراین چنانچه دعوا مستند به سند مسلم الصدور باشد، صدور قرار تأمین خواسته منوط به تودیع خسارت احتمالی است.

نکته تطبیقی: در دستور موقت صدور قرار تأمین خواسته منوط به تودیع خسارت احتمالی است.

نکته ۸۳: دادگاه مکلف به صدور قرار تأمین خواسته همراه با دریافت خسارت احتمالی نقدی است درصورتی‌که دریافت خسارت فقط ناظر به موردی باشد که ممکن است به طرف مقابل خساراتی وارد آید.

نکته ۸۴: در بندهای الف و ب و ج ماده ۱۰۸ آ.د.م خسارت احتمالی دریافت نمی‌شود مگر اینکه خسارتی وارد شده باشد.

نکته ۸۵: مبلغی که خواهان به‌عنوان تأمین برای صدور قرار تأمین خواسته باید به صندوق دادگستری بپردازد منوط به نظر دادگاه است.

نکته ۸۶: چنانچه دادگاه درخواست تأمین خواسته را نپذیرد نمی‌توان از این تصمیم شکایت کرد و خواهان چاره‌ای «جز تجدید درخواست ندارد»

نکته ۸۷: قرار رد درخواست تأمین خواسته «دارای اعتبار امر مختومه» نیست.

نکته ۸۸: توضیح تکمیلی در مورد نکته ۱۴ این است که درصورتی‌که دعوا مستند به هریک از این سه بند باشد جهت صدور قرار تأمین خواسته «دادگاه نمی‌تواند در هیچ صورتی از خواهان تأمین اخذ نماید»

مثال مهم: در دعوای مستند به سفته‌ای که واخواست نشده باشد... .

درخواست تأمین در صورتی پذیرفته می‌شود که خواهان «تأمین دهد» یا خواسته در معرض تضییع و تفریط باشد. نکته سؤال این است که در بند ج آمده مواردی تجاری واخواست شده ولی در این مثال گفته‌شده سفته واخواست نشده

نکته ۸۹: تضییع از طریق فعل و تفریط از طریق ترک فعل انجام می‌شود.

نکته ۹۰: این امر که خواسته در معرض تضییع و تفریط است، امری موضوعی و در صلاحیت دادگاه واگذارشده[۱]

نکته ۹۱: اگر خواسته وجه نقد باشد و ثابت شود که خوانده‌ای که مال غیرمنقول قابل بازداشت ندارد در شرف خارج کردن تمام اموال منقول خود از کشور می‌باشد دادگاه می‌تواند این امر را موجب تضییع یا تفریط خواسته دانست.[۲]

۱- همان، ص ٤١٧

۲- همان، ص ٤١٨

نکته ۹۲: پس از صدور حکم نخستین قابل تجدیدنظر و پیش از تقدیم دادخواست تجدیدنظر می‌توان درخواست تأمین خواسته نمود، در این صورت مرجع صالح درصورتی‌که دادخواست تجدیدنظر تقدیم نشده، دادگاه صادرکننده رأی در غیر این صورت دادگاه تجدیدنظر زیرا با تجدیدنظرخواهی صلاحیت دادگاه نخستین پایان می‌یابد.

نکته ۹۳: اگر نوع و میزان خواسته‌ای که درخواست تأمین آن می‌شود، در سند رسمی مستند دعوا مشخص نشده باشد دادگاه نمی‌تواند به استناد بند الف ماده ۱۰۸ قرار تأمین خواسته صادر کند.[1]

نکته ۹۴ مکرر: «اسناد عادی که اعتبار سند رسمی دارند» و «اسناد عادی لازم‌الاجرا» و «سند عادی که امضاء آن را سردفتر تصدیق نمود» از امتیاز مربوط به نص بند الف ماده ۱۰۸ بی‌بهره‌اند و دادگاه در این موارد مکلف است صدور قرار تأمین خواسته را موکول به اخذ جزای نقدی خسارتی نماید که ممکن است به طرف مقابل وارد آید.

نکته ۹۵: تصمیم دادگاه در خصوص میزان تأمین «غیرقابل‌اعتراض» است.

نکته ۹۶: درخواست تأمین خواسته بنا به ماده ۱۰۸ ق.آ.د.م در مراحل زیر از دادرسی پذیرفته می‌شود:

۱- قبل از تقدیم دادخواست راجع به اصل دعوا ← قبل از اینکه دعوی را مطرح کند

۲- ضمن دادخواست راجع به اصل دعوا ← همزمان با طرح دعوای اصلی

۳- در جریان دادرسی تا وقتی‌که حکم قطعی صادر نشده باشد. ← همزمان با طرح دعوای اصلی

نکته ۹۷: موضوع قرار تأمین خواسته با موضوع دعوای اصلی یکی است.

نکته ۹۸: (ق.ت ۲۹۲) در مورد اسناد تجاری و همچنین ماده ۲۱۸ مکرر ق.م قرار تأمین خواست الزاماً باید در ضمن دعوا درخواست شود و نمی‌توان قبل از طرح دعوا یا «ضمن دادرسی» موردتقاضا قرار گیرد.

نکته ۹۹: «درخواست تأمین خواسته» دعوا نیست که مالی یا غیرمالی باشد.

نکته ۱۰۰: صدور قرار تأمین خواسته نسبت به مطالبات معلق امکان ندارد.

نکته ۱۰۱: درخواست تأمین خواسته نسبت به مطالبات «حال قابل درخواست» است. البته در یک استثناء نسبت به مطالبات «مؤجل نیز امکان‌پذیر است» و آن فرض در ماده ۱۱ ق.آ.د.م می‌باشد.

نکته ۱۰۲: تأمین خواسته به دعاوی مالی اختصاص دارد.

نکته ۱۰۳: خواهان تنها تا زمان «صدور حکم قطعی» خواهد توانست تقاضای صدور قرار تأمین خواسته را نماید و بعد از صدور حکم قطعی طرح چنین درخواستی توسط خواهان مسموع نخواهد بود.

۲۳- گزینه «۱»

ر.ک به ماده ۱۳۰ قانون آئین دادرسی مدنی

نکته ۱۰۴: نظریه مشورتی ۷/۷۹۹ مورخه ۱۳۸۳/۵/۱۲

---

[1]- همان، ص ۴۳۳

دعوی وارد ثالث چنان چه منطبق بر صدور ماده ۱۳۰ ق.آ.د.م باشد بدین معنی که وارد ثالث به دلیل این‌که برای خود حقی به‌طور مستقل قائل بوده طرح دعوی نموده باشد در این صورت استرداد دعوی اصلی خللی به دعوی وارد ثالث وارد نمی‌سازد و دادگاه می‌بایست علی‌رغم استرداد دعوی اصلی همچنان به دعوی وارد ثالث ادامه دهد.

نکته ۱۰۵: ماده ۱۳۰ ق.آ.د.م با مواد ۱ و تبصره ۱ و ۲ آن و همچنین با ماده ۹ و تبصره مربوطه ق تشکیلات سازمان حج و اوقاف در ارتباط است.

نکته ۱۰۶: ورود ثالث: اقامه دعوی از جانب ثالث علیه «تمام» یا «برخی» از اصحاب دعوی

ورود ثالث
- اصلی: شخص ثالث برای خود مستقلاً حقی قائل است.
- تبعی: خود را در محق شدن یکی از اصحاب دعوی ذینفع بداند.

نکته ۱۰۷: وارد ثالث اصلی باید تمام شرایط دادخواست را رعایت نماید به‌طور مثال دارا بودن نفع حال و منجز درحالی‌که وارد ثالث تبعی ممکن است دارای «نفع محتمل» در موضوع دعوای اصلی باشد.

نکته ۱۰۸: ورود ثالث: در مراحل «تجدیدنظر» و «بدوی» و مرحله «واخواهی»

خیلی مهم: آیا در مرحله فرجام ورود ثالث امکان‌پذیر است یا خیر؟

در خود دیوان عالی کشور ورود ثالث امکان‌پذیر نیست زیرا دیوان صرفاً رسیدگی شکلی می‌کند امّا اگر دیوان رأی را نقض و پرونده را برای رسیدگی مجدد به دادگاه بدوی یا تجدیدنظر بفرستد «در آن مرحله ورود ثالث امکان‌پذیر است»

نکته ۱۰۹: در «اعاده دادرسی» و «اعتراض ثالث» ورود شخص ثالث نداریم. (مهم)

نکته ۱۱۰: در دعوای ورشکستگی علیه شرکت سهامی که از طرف بعضی طلبکاران اقامه‌شده آیا صاحبان سهام می‌توانند به‌عنوان ثالث وارد دعوا شوند؟

پاسخ: این‌که صاحبان سهام در چنین مواردی عنوان ثالث دارند یا نه در فرض متصور است؛ یا این‌که خواسته خواهان ثالث با خواسته مدیران شرکت یکی است که در این صورت خواهان وارده «عنوان ثالث ندارد» زیرا مدیران شرکت به نمایندگی صاحبان سهام و ازجمله خواهان‌های وارد، طرف دعوا قرارگرفته‌اند ولی اگر منظور از دعوای وارده با منظور مدیران شرکت فرق داشته باشد در این صورت عنوان وارد ثالث مصداق دارد.

نکته ۱۱۱: دعوای ورود ثالث در مرحله تجدیدنظر ممکن است به شرطی که «به استناد ماده ۱۳۰ ق.ا.د.م وارد ثالث می‌تواند تا ختم دادرسی اعلام نشده است، وارد دعوا گردد، چه این‌که رسیدگی در مرحله بدوی باشد یا در مرحله تجدیدنظر، سپس درهرحال قابل‌طرح است»

نکته ۱۱۲: هرگاه شخصی به قیومیت از صغیر در مرحله نخستین دخالت داشته، در مرحله تجدیدنظر می‌تواند، اصالتاً به‌عنوان ثالث وارد شود.[۱]

نکته ۱۱۳: دعوای ورود ثالث تا قبل از ختم دادرسی در مرحله بدوی و تجدیدنظر[۲] قابل‌طرح است.

نکته ۱۱۴: در دعوایی که برای اقامه آن‌ها مدّت معینی در قوانین پیش‌بینی شده است از قبیل دعاوی اعتراض بر ثبت یا تحدید حدود، اشخاص ثالث می‌توانند به‌عنوان ثالث در دعوای مطروحه بین آنان وارد شوند و یا رأی قطعی بین آنان اعتراض نماید.

نکته ۱۱۵ خیلی مهّم: حال اگر در سؤال آمده بود که اقامه دعوا در غیر مراجع دادگستری صورت گرفته در آن صورت جواب سؤال به صورت ذیل است:

نمی‌تواند به‌عنوان ثالث در دعوای مطروحه بین آنان وارد شوند یا بر حکم یا قرار قطعی بین آنان در این نوع دعاوی اعتراض نمایند.

نکته ۱۱۶: زمان طرح دعوای ورود ثالث عبارت است از:

تا زمانی که رأی قطعی صادر نشده است یا تا قبل از ختم دادرسی در مرحله بدوی و تجدیدنظر

نکته ۱۱۷: هرگاه شخص ثالثی در موضوع دادرسی اصحاب دعوای اصلی برای خود مستقلاً حقی قائل باشد و یا خود را در مخل شدن یکی از طرفین ذی‌نفع بداند می‌تواند تا وقتی‌که ختم دادرسی اعلام‌نشده وارد دعوا گردد.

نکته ۱۱۸: در ورود شخص ثالث به‌عنوان خواهان «تا وقتی‌که ختم دادرسی اعلام‌نشده (چه در مرحله بدوی و چه در مرحله تجدیدنظر) می‌تواند دادخواست خود را تسلیم کند.»

نکته ۱۱۹: شخصی که مدعی حقی در دعوای مطروحه در مرحله تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر می‌باشد.

۲۴- گزینه «۲»

ر.ک به ماده ۱۷۵ قانون آئین دادرسی مدنی

۲۵- گزینه «۳»

ر.ک به ماده ۴۹۳ قانون آئین دادرسی مدنی

نکته ۱۲۰: آثار شکایت نسبت به رأی داور:

اثر تعلیقی:

اعتراض به رأی داور اصولاً اثر تعلیقی بر اجرای رأی داور ندارد مگر اینکه دلایل اعتراض قوی باشد در این صورت دادگاه قرار توقف یا منع اجرای آن را تا پایان رسیدگی به اعتراض و صدور حکم صادر می‌نماید و در صورت اقتضاء از معترض تأمین مناسب می‌گیرد.

۱- شمس، عبدالله، جلد دوّم پیشرفته، ش ۷۴۲

فقدان اثر تعلیقی شکایت از رأی داور هم نسبت به شکایت طرفین است و هم نسبت به اعتراض شخص ثالث، بنابراین در خصوص اثر تعلیقی اعتراض شخص ثالث نسبت به رأی باید طبق ماده ۴۹۳ ق.آ.د.م اقدام کرد، نه ماده ۴۲۲ ق.آ.د.م

اثر انتقالی:

شکایت از رأی داور اثر انتقالی محدود دارد زیرا دادگاه در مقام رسیدگی به شکایت نسبت به رأی داور و صدور رأی، صرفاً در محدوده موارد مقرر در ماده ۴۸۹ ق.آ.د.م رأی داور را بررسی می‌کند و حکم به بطلان یا عدم بطلان رأی داور می‌دهد.[۱]

۲۶- گزینه «۳»

ر.ک به تبصره ۲ ماده ۳۳۹ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۳۸۳ قانون مزبور

نکته ۱۲۱: برخلاف مرحله بدوی که در صورت نقص دادخواست، مدیر دفتر قرار دادخواست را صادر می‌کند، در مرحله تجدیدنظر، قاضی دادگاه بدوی صادرکننده رأی معترض‌عنه، قرار رد دادخواست تجدیدنظر را صادر می‌کند

نکته ۱۲۲: این قرار قابل‌اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان است.

مرجع تقدیم اعتراض: دادگاه صادرکننده قرار رد دادخواست

مرجع رسیدگی به اعتراض: دادگاه تجدیدنظر

نکته ۱۲۳: مهلت اعتراض به قرار برای افراد مقیم خارج از کشور، ۲ ماه است.

نکته ۱۲۴: دادگاه صادرکننده رأی فرجام‌خواسته نمی‌تواند دادخواست فرجامی را به علت غیرقابل فرجام بودن رأی رد نماید، بلکه مکلف است دادخواست را ثبت و به دیوان عالی کشور ارجاع دهد. درصورتی‌که دیوان عالی کشور رأی را غیرقابل فرجام بداند (غیرقابل استماع بودن) رأی فرجام‌خواسته را ابرام می‌کند.

۲۷- گزینه «۱»

۲۸- گزینه «۱»

ر.ک به ماده ۵۱۳ قانون آئین دادرسی مدنی

۲۹- گزینه «۲»

ر.ک به تبصره ۱ ماده ۵۱۵ قانون آئین دادرسی مدنی

۳۰- گزینه «۲»

ر.ک به ماده ۵۲۷ قانون آئین دادرسی مدنی

---

[۱]- رحمانی نیا، مهسا، ۱۳۹۹، نظم آزمونی آیین دادرسی مدنی، چاپ اول، تهران، انتشارات آریا داد، ص ٤٤٥

سؤالات حقوق تجارت سال ۱۳۸۴

۳۱- مدیران شرکت‌های تجاری به اعتبار سمت خود در شرکت .....

۱) تاجر محسوب می‌شوند.
۲) تاجر محسوب نمی‌شوند.
۳) در شرکت‌های شخص تاجر محسوب می‌شوند.
۴) در شرکت‌های سرمایه تاجر محسوب می‌شوند.

۳۲- خرید سهام شرکت سهامی توسط همان شرکت .....

۱) ممنوع است.
۲) در پاره‌ای موارد ممنوع است.
۳) مجاز است.
۴) تنها از طریق سازمان بورس مجاز است.

۳۳- اثر تخلف از مقررات قانونی در تشکیل شرکت سهامی عبارت است از .....

۱) بطلان شرکت سهامی .
۲) انحلال شرکت سهامی.
۳) تأثیری در اعتبار شرکت ندارد.
۴) بطلان عملیات شرکت سهامی.

۳۴- در صورت اتخاذ تصمیم بر انحلال شرکت و انتشار آن در روزنامه رسمی .....

۱) شخصیت حقوقی شرکت زایل می‌شود.
۲) شخصیت حقوقی شرکت به حال خود باقی می‌ماند.
۳) شخصیت حقوقی شرکت برای مدت دو سال باقی خواهد ماند.
۴) شخصیت حقوقی شرکت جهت امور تسویه باقی می‌ماند.

۳۵- دلالی اموال غیرمنقول .....

۱) عملیات تجاری محسوب نمی‌شود.
۲) عملیات تجاری ذاتی است.
۳) درصورتی‌که در چارچوب بنگاه یا مؤسسه صورت پذیرد عملیات تجاری حکمی است.
۴) عملیات تجاری تبعی است.

۳۶- چنانچه در دعوای بین تجار یکی از آن‌ها به دفاتر تجارتی دیگری استناد نماید .....

۱) طرف دعوی الزامی برای ارائه دفاتر ندارد.
۲) طرف دعوی می‌تواند ابراز دفاتر خود را موکول به ابراز دفاتر تاجر طرف مقابل نماید.
۳) طرف دعوی مکلف است دفاتر خود را به دادگاه ابراز نماید.
۴) درصورتی‌که دفاتر طرف دعوی مطابق مقررات قانونی تنظیم نشده باشد، ابراز آن‌ها تأثیری در دعوی نخواهد داشت.

۳۷- صدور سفته .....

۱) درصورتی‌که به‌منظور امور تجارتی باشد، ذاتاً تجارتی محسوب می‌شود.
۲) چنانچه توسط تاجر صورت گرفته باشد، ذاتاً تجارتی محسوب می‌شود.
۳) درصورتی‌که از محلی به محل دیگر باشد، تجارتی محسوب می‌شود.
۴) چنانچه توسط تاجر صورت گرفته باشد طبعاً تجارتی محسوب می‌شود.